

قتل مرد ایرانی

باشلیک مرزبانان تر کمستان

پرونده مرد میانسالی که در نقطه صفر مرزی با گلوله مأموران مرزبانی کشور ترکمنستان کشته شده در دادسرای امور جنایی تهران بررسی می‌شود.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۵ صبح روز نهم اسفند ماه سال قبل، مأموران مرزبانی ایران از کشته شدن مرد میانسالی در نقطه صفر مرزی با شلیک گلوله مأموران مرزبانی کشور ترکمنستان قرار گرفتند. بررسی‌های پلیس حکایت از آن داشت که مرد ۵۳ ساله‌ای با دستکاری سیستم حفاظتی از مرز عبور کرده و دقیقاً در نقطه صفر مرزی در محدوده علامت مرز ۲۳۸۰۱ با شلیک پنج گلوله کشته شده‌است. همچنین مشخص شد، مأموران مرزبانی کشور ترکمنستان در اطراف جسد مقدار ۳۲ کیلو گرم موادمخدر و یک گوشی تلفن همراه کشف کرده‌اند. همزمان با ادامه تحقیقات دربراه این حادثه، خانواده مرد میسالم مدعی شدند که او برای دیدن دوستش به ترکمنستان رفته‌است و وجود موادمخدر اعلام‌بی خبری کردند. از آنجایی که این حادثه در خارج از مرزهای جمهوری اسلامی ایران رخ داده بودو مرد میسالم توسط نیروهای مرزبانی کشور ترکمنستان و با گلوله به قتل رسیده بود، پرونده برای تحقیقات به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد و تحقیقات به دستور بازپرس جنایی در این خصوص ادامه دارد.

درگیری خونین مرد افغانی با همسر و مادر زش

مرد افغانی وقتی متوجه شد مادر زش قبول نمی‌کند او و همسرش برای ادامه زندگی به افغانستان بروند، خون به پا کرد.



به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۵ عصر روز شنبه نهم مردامه، قاضی ایلخانی، بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران با تماس تلفنی مأموران کلانتری ۱۲۲ نبرد از قتل زن جوانی با خیسر و همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی راهی محل شدند. تیم جنایی در محل حادثه که آپارتمان سه‌طبقه قدیمی در حوالی هاشم‌آباد در جنوب تهران بود، با جسد غرق در خون زن ۲۷ساله‌ای به نام پرستور وپه رو شدند. همچنین مأموران در نزدیکی جسد با مرد افغانی به نام نشیع که چاقوی خونینی در دست داشت، مواجه شدند که حکایت از آن داشت مرد افغانی همسرش را به قتل رسانده‌است. پس از بازداشت مرد افغانی مأموران دریافتند قاتل علاوه بر قتل همسرش، مادر زش را با ضربات متعدد چاقو به شدت زخمی کرده‌است. همچنین مشخص شد مادرزن قاتل برای درمان به بیمارستان هفت تیر منتقل شده‌و در کام‌است.

صبح دیروز متهم برای بازجویی به دادسرای امور جنایی منتقل شد. وی بااعتراف به قتل همسرش گفت: من یک دختر دوساله و پسر سه‌ساله دارم. دو سال قبل خانواده همسر از افغانستان به ایران آمدند. پس از این همسر اصرار داشت ما هم به ایران بیاییم، اما من قبول نکردم. مادر زن و پدر زنم هر روز به من تلفن می‌زدند و مرا تشویق می‌کردند به ایران بیایم. وقتی با اصرار همسرم روبه‌رو شدم، قبول کردم و به صورت غیر قانونی و با پرداخت ۴ و نیم میلیون تومان به ایران آمدم. در ایران برخورد خانواده همسر با من تغییر کرد و اینها فقط دخترشان را به‌خانه‌شان راه دادند و مرا از خانه بیرون کردند. من پولی برای اجاره خانه نداشتیم و مجبور بودم بر شب در پارک و خیابان بخوابم. در این مدت حتی به دادگاه هم شکایت کردم و چند بار هم به سفارت افغانستان رفتم و خواستم به من کمک کنند، همراه همسرم به افغانستان بروم. روز حادثه با پدر زنم به سفارت رفتم؛ و قرار شد من همراه زن و بچه‌هایم به افغانستان برگردم. وقتی به‌خانه رفتم موضوع را به مادر زنم گفتم، او گفت، نمی‌گذارد دخترش با من به افغانستان برگردد و بعد شروع به داد و فریاد کرد و مرا کتک زد. خیلی عصبانی شدم و به آشپزخانه رفتم و چاقویی برداشتم و چند ضربه به مادر زنم و همسرم زد. من متهم برای تحقیقات بیشتر به دستور قاضی ایلخانی در اختیار کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی قرار گرفت.

کشف جسد یکی دیگر از گردشگران چال کندی

جسد یکی دیگر از گردشگران ناپدید شده حادثه چال کندی در فوسفات سدج دیروز در رودخانه ذو پیدا شد. تلاش برای کشف آخرین جسد همچنین در جریان است.
به گزارش خبرنگار ما، ۱۹ گردشگر که ۲۹ تیرماه از اهواز به دیق‌قوله سفر کرده بودند، در منطقه چال کنندی در فوسفات دچار حادثه شدند. ۱۳ نفر از گردشگران همان روز نجات یافتند و یکی از آنها هم یک روز بعد از حادثه نجات یافت. امدادگران در جریان تجسس‌های خود تا روز گذشته جسد چهار نفر دیگر را کشف کردند. آخرین جسد را روز گذشته یک قایقران محلی حوالی پادگان قدس کشف کرد. تلاش برای کشف جسد آخرین گردشگر همچنان ادامه دارد. منطقه گردشگری چال کندی در بالادست رودخانه ذو در فاصله ۱۵ کیلومتری از سد تنظیمی دز واقع است. منطقه گردشگری چال کندی با وجود چشم‌انداز زیبا و بکر به دلیل عمق زیاد، شدت جریان آب و وجود گرداب برای شناسای خطرناک است.

مقاومت مرگبار دختر جوان مقابل ۴ شیطان شبگرد

پسران شیطان صفت وقتي با مقاومت دختر جوان مواجه شدند، او را با ضربات چاقو به قتل رساندند و محل فرار کردند، اما در جریان تحقیقات پلیس بازداشت شدند.
به گزارش خبرنگار ما، هفتم مردامه بود که مأموران کلانتری ۱۰۱ تجریش قاضی مرادی، بازپرس ویژه قتل را از قتل دختری جوان با خبر کردند. گزارش اولیه حکایت از این داشت که دختر ۳۵ ساله ساعت ۲۳:۴۵ شامگاه جمعه ششم مردامه در خیابان وطن پور به ضرب چاقو مجروح و بعد از انتقال به بیمارستان فوت شده‌است.

اعمالن حادثه هم چهار سرنشین یک خودروی پژو ۲۰۶ بودند که بعد از حادثه از محل فرار کرده بودند. کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی که مأمور رسیدگی به پرونده شده بودند، در بررسی میدانی از شاهدان تحقیق کردند. یکی از شاهدان که ماجرا را دیده بود، توضیح داد: من در خانه‌ام که طبقه سوم است، مشغول استراحت بودم که از خیابان فریاد کمک‌خواهی زنی را شنیدم. پنجره را که باز کردم، دیدم چند پسر جوان تلاش می‌کنند، زنی رهنگذر را بزور سوار ماشین پژو ۲۰۶ سفیدرنگ کنند و با خود ببرند. آن زن مقاومت می‌کرد و با فریاد درخواست کمک داشت. من هم خانه را ترک کردم و به سرعت خودم را به خیابان رساندم. وقتی رسیدم مردان جوان سوار پژو شدند و فرار کردند. زن جوان هم غرق خون روی زمین افتاده بود که با اورژانس و پلیس تماس گرفتم. کارآگاهان در بررسی‌های بعد متوجه شدند که ساختمان‌های اطراف مجیزه به

گفت‌وگو با متهم

اهل کجایی؟

شهرستان ورآمین
شب حادثه برای چه به تهران آمده بودید؟

من دوستانم بعضی روزهای برای تفریح و خوشگذرانی به تهران می‌اییم، و آن روز هم به تهران آمدم؛ و در یکی از خیابان‌های بالای شهر در حال دور دور بودیم که این اتفاق رخ داد.

ماشین ۲۰۶ متعلق به خودت است؟

بله. من در ورآمین یا یکی از دوستانم نمایشگاه خودرو دارم.

پدر و مادرت چه کاره هستند؟

پدرم معاون بانک و مادرم نیز معاون مدرسه‌سای در ورآمین است.

پدر و مادرت خبر دارند؟

بعد از اینکه دستگیر شدم، خبردار شدم.

معتادی؟

نه.

سابقه داری؟

نه.

چقدر درس خواندی؟

من دانشجوی حسابداری بودم و تا ترم سه خواندم، اما به صورت موقت ترک تحصیل کردم.

شما که متواضع تحویلگرفته‌و فر هنگی ای داری، چه شد که زن جوانی را به قتل رساندی؟

من قصد قتل نداشتم. فقط می‌خواستم او از خودروام پیاده‌شود که قبول نمی‌کرد و من هم عصبانی شدم و با چاقو او را زخمی کردم.

چرا اصلا مقتول را سوار کردید؟

اشتباه کردیم، شیطان ما را فریب داد.

درباره شب حادثه توضیح بده؟

آن شب همراه سه نفر از دوستانم برای تفریح به تهران آمدم. در خیابان اندرزگو جلوی پاساژی، دوستانم متوجه زن تنهایی شدند. یکی از دوستانم پیاده شد و با او حرف زد؛ و لظفاتی بعد با زن جوان سوار

ححوالات

سرویس حوادث۴ آ۸۹۸۴۳۵

مقاومت مرگبار دختر جوان مقابل ۴ شیطان شبگرد




دوربین‌های مدار بسته‌است. آنها با بررسی دوربین‌ها تصویر متهمان و خودروی آنها را به دست آوردند و با بررسی پلاک خودرو و سوابق بررسی‌سعی شناسایی کردند. سواری ۲۰۶ متعلق به پسر۱۲۱ ساله به نام غلامرضا ت و ساکن شهرستان ورآمین بود. کارآگاهان دوروز قبل متهم را سوار بر خودروی خود در جنوب تهران بازداشت کردند. غلامرضا در اولین تحقیقات به جرمش اعتراف کرد و گفت: شب حادثه با سه نفر از دوستانم به نام‌های مهدی، مبین و مسعود سوار بر خودرو در حال عبور بودیم که متوجه دختر

گفت‌وگو با متهم

اهل کجایی؟
شهرستان ورآمین
شب حادثه برای چه به تهران آمده بودید؟
من دوستانم بعضی روزهای برای تفریح و خوشگذرانی به تهران می‌اییم، و آن روز هم به تهران آمدم؛ و در یکی از خیابان‌های بالای شهر در حال دور دور بودیم که این اتفاق رخ داد.

ماشین ۲۰۶ متعلق به خودت است؟
بله. من در ورآمین یا یکی از دوستانم نمایشگاه خودرو دارم.

پدر و مادرت چه کاره هستند؟
پدرم معاون بانک و مادرم نیز معاون مدرسه‌سای در ورآمین است.

پدر و مادرت خبر دارند؟
بعد از اینکه دستگیر شدم، خبردار شدم.

معتادی؟
نه.

سابقه داری؟
نه.

چقدر درس خواندی؟
من دانشجوی حسابداری بودم و تا ترم سه خواندم، اما به صورت موقت ترک تحصیل کردم.

شما که متواضع تحویلگرفته‌و فر هنگی ای داری، چه شد که زن جوانی را به قتل رساندی؟
من قصد قتل نداشتم. فقط می‌خواستم او از خودروام پیاده‌شود که قبول نمی‌کرد و من هم عصبانی شدم و با چاقو او را زخمی کردم.

چرا اصلا مقتول را سوار کردید؟
اشتباه کردیم، شیطان ما را فریب داد.

درباره شب حادثه توضیح بده؟
آن شب همراه سه نفر از دوستانم برای تفریح به تهران آمدم. در خیابان اندرزگو جلوی پاساژی، دوستانم متوجه زن تنهایی شدند. یکی از دوستانم پیاده شد و با او حرف زد؛ و لظفاتی بعد با زن جوان سوار

اعمال محدودیت‌های ترافیکی روز تحلیف

رئیس پلیس راهور تهران محدودیت‌های ترافیکی روز شنبه را به دلیل برگزاری مراسم تحلیف ریاست جمهوری تشریح کرد.
به گزارش خبرنگار ما، سردار مهراندار با اشاره به حضور مقامات و مهمانان خارجی در مراسم تحلیف ریاست جمهوری افزود: هم‌زمان با مراسم تحلیف ریاست جمهوری از ساعت ۱۴ روز شنبه ۱۴ مرداد محدودیت‌های ترافیکی منتهی به مجلس شورای اسلامی اعمال می‌شود.
وی ادامه داد: از ساعت ۱۴ روز شنبه تا پایان مراسم، از سمت غرب از چهارراه استانبول به سمت مجلس شورای اسلامی، از سمت جنوب از ابتدای خیابان امیرکبیر، ملت و دیالمه به سمت میدان بهارستان از سمت شرق از تقاطع خیابان مجاهدین اسلام به سمت میدان بهارستان و از شمال از ابتدای میدان ابن سینا به سمت میدان بهارستان تردد انواع وسایل نقلیه ممنوع است. سردار مهراندار همچنین افزود: علاوه بر محدودیت‌های تردد خودرو و موتورسیکلت، توقف در چهار ضلع میدان بهارستان و مجلس شورای اسلامی ممنوع است.

گروگانگیری شبانه

مرد چاقو به دست در مشهد

مرد چاقو به دست که برای فرار از دست پلیس صاحب یک مغازه را به گروگان گرفته بود، بازداشت و گروگان وی آزاد شد.

سرهنگ محمد بوستانی، فرمانده انتظامی مشهد گفت: این حادثه شامگاه دوشنبه در خیابان امام رضای این شهر اتفاق افتاد. رهنگاران با دیدن مردی چاقو به دست که ظاهراً تعادل روحی و روانی نداشت، پلیس را باخبر کردند. مأموران پلیس با حضور در محل، از فرد مورد نظر درخواست کردند چاقو را تحویل دهد که این فرد ضمن بی‌توجهی به سمت مأموران حمله‌ور می‌شود و سپس فرار می‌کند. مأموران پلیس برای دستگیری، این فرد را دنبال می‌کنند که وی وارد یک مغازه می‌شود و صاحب مغازه را گروگان می‌گیرد و چاقو را روی گردن صاحب مغازه قرار می‌دهد. مأموران پس از اینکه هشدار می‌دهند و این فرد بی‌توجهی می‌کند، تیر اختطاری می‌زنند. متهم پسند گروگان را به پیاده‌رو می‌آورد و قصد دارد با سوار شدن در یک خودرو فرار کند که مأموران طبق وظیفه خود به سمت وی شلیک و در نهایت او را دستگیر می‌کنند. سرهنگ بوستانی با اشاره به اینکه صاحب مغازه دچار آسیبی نشده‌است، افزود: فرد گروگانگیر نیز به بیمارستان منتقل شده‌است.

ادعای اسید پاشی روی خودروی صاحبخانه

ادعای مرد صاحبخانه که مدعی است مستأجرش روی خودرواش اسیدپاشیده‌است، بررسی می‌شود.
به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱:۳۰ یامداد دیروز، مردی سراسیمه به کلانتری ۱۱۴ قیاسی رفت و از دو مرد به اتهام اسیدپاشی روی خودرواش شکایت کرد. شاکی گفت: یک‌سال قبل خانه‌ام را به مردی به نام رحمان اجاره کردم. پس از اتمام قراردادش از او خواستم خانم را تخلیه کند، اما او امروز و فردا می‌کرد تا اینکه مجبور شدم از طریق دادگاه حکم تخلیه بگیرم. روز دوشنبه با حکم تخلیه همراه مأموران کلانتری به خانه رفتم. مستأجرم وقتی با حکم قضایی روبه‌رو شد، تمامی اسباب و اثاثیه‌اش را به داخل کوپه برد و کلید را تحویل داد. ساعتی بعد با مستأجر جدیدم تماس گرفتم و کلید خانه را تحویل او دادم. مستأجر جدید قرار بود اسباب‌ها را تسلیب کند که ساعت یک یامداد با شاکی من تماس گرفت و گفت رحمان اسباب و اثاثیه‌اش را جلوی در خانه گذاشته و همراه پدرزنش مانع ورود من به خانه می‌شوند. او از من خواست به آنجا بروم و موضوع را حل کنم. پس، ساعت بعد با خودروام به در خانه رفتم که ناگهان رحمان و پدر زنش مایع اسیدی به روی خودروی ۲۰۶ من پاشیدند و تهدید کردند، اگر خانه‌ام را به مستأجر جدید بدهم روی من اسید پاشند. پدر زن من این شکایت مأموران رحمان و پدر زنش را بازداشت کردند. صبح دیروز رحمان و پدر زنش به دادسرای امور جنایی منتقل شدند و مورد بازجویی قرار گرفتند. رحمان در بازجویی‌ها گفت: صاحبخانه معاد به شیسه است و گاهی اوقات در حیاط خانه شیسه مصرف می‌کند، به همین دلیل من زودتر از موعد پایان اجاره نامه‌ام از او خواسته بودم دویعه‌م بار بازگرداند تا خانه دیگری اجاره کنم، اما او قبول نمی‌کرد تا اینکه چند وقت اجاره نامه‌ام به پایان رسید و صاحبخانه هم با مستأجر جدیدی قرارداد امضا کرد. وی ادامه داد: قرار شد او دویعه‌ما را برداخت کند، اما امروز و فردا می‌کرد تا اینکه چند روز قبل پدرم فوت کرد و من مجبور شدم پای‌ظرفشویی نیز همچنان معترض بودم و گلگی می‌کرد. به او گفتم: اگر دلت می‌خواهد به مهمانی بروی تو را با موتور می‌رسانم و آخر شب با شوهر خواهرت بر گرد. با این حرف عصبانی شد و یک قابلمه به طرفم پرتاب کرد و بعد گفت: بچه چوبان انتظار بیشتر از این نیست! متهم در خصوص قتل گفت: پدرم عشار بود و این حرف مرا خیلی ناراحت کرد. او لج کرد و با تکرار حرفش یک سیلی به صورت زد. عصبانی شدم و گلویش را فشار دادم. وقتی او را به پنداری بردم، روی زمین افتاد. در این لحظه به حیاط رفتم و لظفاتی بعد بر گشتم، اما هرچه صدايش کردم جوابی نشنیدم. او را برگرددم دیدم صورتش کبود است. دخترم خانه همسایه بود.

ترسیده بودم اگر بیاید به او چه بگویم. به همین خاطر دست و پای جسد را بستم و آن را داخل گونی گذاشتم. سپس با موتور آن را در یک مزرعه ذرت به‌سا کردم و گریختم. متهم در آخرین دفاعش گفت: اگر همسرم پدرم توهین نمی‌کرد، این اتفاق نمی‌افتاد. قصد کشتن نداشتم به خاطر تعصب به خانواده‌ام عصبانی شدم و بیایید شب‌نشنی تا صبح به کارم برسیم. او از این حرفم ناراحت شد و کینه گرفت. متهم در ادامه در پایان هیئت قضایی وارد شور شد.

پشیمانی از قتل پسر نوجوان پس از کشتن همسر

چند ضربه چاقو به او زد. آن شب نتوانستم مادرم را نجات دهم و امشب نیز برادرم را از دست دادم.

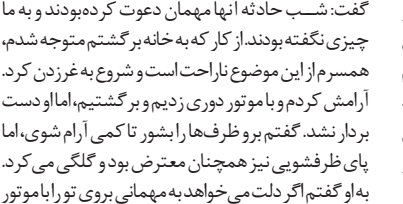
باین توضیحات، متهم توسط مأموران پلیس آگاهی تحت بازجویی قرار گرفت و با قبول جرمش اما اقرارهای متفاوتی در مورد انگیزه قتل داشت. او بیکار توهم به خاطر مصرف مواد را مطرح کرد و در مرحله دیگری گفته بود، فکر می‌کرد همسر می‌خواهد برای انتقام مرا یکشد. تا اینکه در مرحله آخر از اذیت و آزارهای مادرش از سوی پسرش توضیح داد و گفت به همین خاطر تحت فشار بودم و او را کشتم.

پیشانی‌اش از عرق خیس شده بود، روی بدن برادرم لازم تکمیل و به شبعه دادم دادگاه کیفری یک‌استان تهران به ریاست قاضی قربان‌زاده فرستاده شد. متهم روز گذشته به دادگاه اعزام و بعد از اعلام رسمیت جلسه، کیفرخواست از سوی نماینده دادستان قرائت شد.

سپس دختر متهم _تنها اولیای دم پرونده – در جایگاه قرار گرفت و برای اعلام آدرس محل سکونتش گفت: پدرم بعد از قتل مادرم با پرداخت دیه و تحمل چهار سال حبس آزاد شد و ۹ ماه بعد از آزادی دوباره و جلوی چشم‌انم جلوی مادرم را فشار داد و بعد از آن

آزادی سراغم بیاید و مرا هم به قتل برساند. او با توجه به قانون و اینکه قصاص برای پدر امکان ندارد، اعلام پرداخت کرد.
سپس متهم در حالی که به شدت اشک می‌ریخت، گفت: پسرم برایم عزیزترین بود و دنیاسی من بود. سپس با تأیید توضیحات نحوه قتل از سوی دخترش، در خصوص انگیزه قتل گفت: این اتفاق تلخ عقبه چندساله داره. وقتی همسرم را به خاطر مسائل اخلاقی به قتل رساندم، پسرم دچار مشکلات روانی شد و در حال درمان بود. ما مادرم زندگی می‌کردیم و او توانایی حرکت نداشت. پسرم به خاطر بیماری‌اش عصای او را می‌گرفت و به سر و صورت مادرم می‌زد و او را اذیت می‌کرد. از طرفی فکر می‌کردم پسرم می‌خواهد مرا به خاطر قتل همسرم بکشد. متهم پسرم در خواستش از مرد شدید‌کمتر تریاک می‌کشیدم و چندسال آخر شیشه مصرف می‌کردم. این عوامل باعث شد تا آن شب در حالی‌که پسرم کنارم خوابیده بود، او را به قتل برسانم. حالا هیچ دفاعی ندارم و شرمندگم که نتوانستم پدر خوبی برای بچه‌هایم باشم. در پایان هیئت قضایی وارد شد.

متهم: همسر م به پدرم توهین کرد او را کشتم



اسماعیل ۳۰ساله به عنوان اولین مظنون شناسایی و دستگیر شد. او ابتدا جرمش را انکار کرد، اما در مراحل بعدی بازجویی با اقرار به قتل همسرش گفت: با همسرم درگیر شدم و در حین درگیری او شروع به فحاشی کرد. از عصبانیت گلویش را فشار دادم تا اینکه بعد از لظفاتی هر چه او را صدا کردم، متوجه شدم جواب نمی‌دهد و صورتش کبود است.

پرونده بعد از اقرارهای متهم و تحقیقات لازم تکمیل و به شبعه دوم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی زالی فرستاده شد.
صبح دیروز متهم از زندان اعزام شد و بعد از اعلام رسمیت جلسه و قرائت کیفرخواست در حالی که معاون محترم قوه‌قضائیه از طرف طفل مغضوب مقتول جلو رفتم متوجه شدم گونی خوننی است. وقتی در گونی را باز کردم جسد را دیدم.
با انتقال جسد به پزشکی قانونی و تشخیص هویت، مشخص شد جسد متعلق به همان زن جوانی است که پدرش اعلام مفقودی کرده‌بود. بنابراین پرونده با موضوع قتل عمد تشکیل شد و خواهر مقتول به مأموران گفت: مدتی قبیل از تباط مسن و خواهرم به خاطر اختلاف شوهرن‌انم کم شده بود. به همین خاطر سوده‌ابه با شوهرش درگیری داشت. حالا که چندروزی سر کار می‌رفتم، به او گفتم: اگر ممکن است شب‌ها زودتر بیایید شب‌نشنی تا صبح به کارم برسیم.

او از این حرفم ناراحت شد و کینه گرفت. متهم در ادامه

